

تأخیر نیز بپردازد .

( مسأله ۸۲۰ ) کسی که روزه قضای رمضان گرفته در صورتی که وقت برای  
[ ۱۵۹ ] -

قضا وسیع باشد میتواند پیش از ظهر آن را افطار کند ، ولی اگر بعد از ظهر آن را بخورد کفاره دارد .

( مسأله ۸۲۱ ) کسانی که از روزه گرفتن معذور هستند ، باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهند و دادن قیمت آن کفایت  
نمیکند .

( مسأله ۸۲۲ ) یک مدّ تقریباً ۸۷۰ گرم میباشد .

( مسأله ۸۲۳ ) فدیة چند روز بلکه چند ماه را میتوان به یک فقیر داد .

روزهای حرام

( ۱ ) روزه عید فطر و عید قربان ، به جز آنچه در برخی از کفارات استثنا شده است .

( ۲ ) روزهای تشریق برای کسی که در منی باشد ، و بنا بر احتیاط واجب اگر چه قسمتی از روز را در منی باشد .

( ۳ ) روزی که معلوم نیست آخر شعبان است یا اوّل رمضان به نیت اوّل رمضان .

( ۴ ) نذر معصیتی ، مثل این که نذر کند اگر موفق شود که فلان گناه را انجام بدهد ، به شکرانه آن روزه بگیرد . ولی اگر نذر کند  
که هر وقت مرتکب فلان گناه بشود روزه بگیرد ، تا به این وسیله از گناه پرهیز کند ، مانعی ندارد .

( ۵ ) روزه وصال ، یعنی وصل کردن شب به روز . البته تأخیر انداختن افطار اگر به نیت روزه نباشد مانعی ندارد ، اگر چه بهتر این  
است که از آن نیز اجتناب شود .

( مسأله ۸۲۴ ) اگر همسر بدون اجازه شوهر روزه مستحبی بگیرد ، اگر حقوق او از بین نرود مکروه است و گرنه حرام است .

احکام زکات

\*\*\*\*\*

[ ۱۶۱ ] -

[ ۱۶۳ ] -

## احکام زکات

زکات یکی از پایه‌های مستحکمی است که اسلام بر آن بنا شده و یکی از واجبات بزرگی است که خداوند منّان از روزی حکمت  
بالغهاش آن را بر بندگان واجب نموده است .

امیر مؤمنان (علیه السلام) در وصیت خود میفرماید : " خدا ر ، خدا ر ، درباره زکات ، که آن خشم پروردگار را فرو مینشانند . "

امام باقر (علیه السلام) میفرماید : " خداوند زکات را همراه نماز آورده و فرموده : " اقيموا الصّیلة و اتوا الزّکاة " پس هر کس نماز  
بخواند و زکات ندهد ، مثل این است که نماز نخوانده باشد . "

امام صادق (علیه السلام) فرمود : " هر کس قیراطی از زکات را ندهد ، مسلمان نیست و مؤمن نیست و هیچ احترامی ندارد . "

زکات حقوق بینوایان است که خداوند آن را در ثروت ثروتمندان قرار داده است .

زکات مال

( مسأله ۸۲۵ ) در نه مورد زکات مال واجب است :

( ۱ ) طل

(۲) نقره

(۳) شتر

(۴) گاو و گاومیش

[- ۱۶۴ -]

(۵) گوسفند و بز

(۶) گندم

(۶) جو

(۸) خرم

(۹) کشمش

(مسأله ۸۲۶) زکات مال با :

۱- بلوغ

۲- عقل

۳- مالک بودن

۴- قدرت بر تصرف داشتن

واجب می شود

زکات طلا و نقره (نقدین)

(مسأله ۸۲۷) برای وجوب زکات در طلا و نقره سه شرط لازم است:

۱- به حدّ نصاب برسند .

(مسأله ۸۲۸) حدّ نصاب در طلا ۲۰ دینار است ، پس در کمتر از ۲۰ دینار زکات واجب نمیشود . برای ۲۰ دینار نیم دینار زکات واجب میشود ، سپس در هر چهار دیناری که بر آن افزوده شود یک دهم دینار زکات واجب میشود و پس از هر نصابی تا نصاب بعدی زکاتی نیست .

(مسأله ۸۲۹) نصاب نقره ۲۰۰ درهم است و در کمتر از آن زکات واجب نیست و زکات ۲۰۰ درهم پنج درهم میباشد ، سپس برای هر ۴۰ درهم یک درهم زکات واجب میشود و آنچه کمتر از ۴۰ درهم باشد چیزی بر آن واجب نمیشود .

[- ۱۶۵ -]

(مسأله ۸۳۰) هر دینار تقریباً چهار گرم و یک چهارم گرم میباشد و هر درهمی در حدود سه گرم الّا یک چهارم گرم میباشد .  
۲- مسکوک باشند .

(مسأله ۸۳۱) طلا و نقره‌های زکات دارند که مسکوک باشند و در معاملات به عنوان دینار و درهم مورد معامله رائج قرار بگیرند ، نه طلا و نقره‌های که به صورت زیور آلات ساخته شده یا به صورت شمش طلا و نقره باشند .

(مسأله ۸۳۲) اگر سکه از اعتبار بیفتد و یا تغییراتی در آن بدهند که از عنوان معامله رائج خارج شود ، زکات ندارد .

۳- گذشت یک سال

(مسأله ۸۳۳) برای استقرار وجوب زکات در نقدین گذشت یکسال قمری شرط است ، اگر انسان یازده ماه تمام طلا و نقره سکه زده شده را در حدّ نصاب مالک باشد ، با ورود ماه دوازدهم زکات بر او واجب می شود و اگر بعد از ورود ماه دوازدهم برخی از شرایط آن از بین برود ، زکات آن ساقط نمیشود .

(مسأله ۸۳۴) مبدء سال بعدی سپری شدن دوازده ماه قمری کامل از سال قبلی است .

زکات شتر و گاو و گوسفند

(مسأله ۸۳۵) برای وجوب زکات در حیوانات یاد شده چهار شرط لازم است:

۱- سپری شدن یک سال قمری به ترتیبی که در مورد طلا و نقره گفته شد .

۲- استفاده از علف صحر

(مسأله ۸۳۶) اگر حیوانی در باغ شخص که آنسان آنرا کاشته و یا در گذرگاههای تنگ و باریک بچرد زکات ندارد ، زکات

منحصر به حیواناتی است که

-[ ۱۶۶ ]-

از علف صحرا استفاده کند ، اگر چه صحرا ملک شخصی باشد و در مقابل پرداخت مبلغ اجازه خریدن داشته باشد . پس میزان

چریدن از علف خود روی بیابان است .

(مسأله ۸۳۷) اگر علف بیابان را بچینند و به محل نگهداری دام بیاورند و در محل بسته از علف بیابان به او علوفه بدهند ، زکات

واجب نمیشود .

(مسأله ۸۳۸) به حیوانی زکات تعلق می گیرد که در طول سال از علف بیابان بچرد ، ولی اگر در طول سال یکی دو مرتبه اتفاق

بیفتد که از علف چیده شده استفاده کند ، مانعی ندارد .

۳- ابزار کار نباشد

(مسأله ۸۳۹) اگر گاوی وسیله شخم زدن یا وسیله بار کشی باشد ، به آن زکات تعلق نمی گیرد .

(مسأله ۸۴۰) حیوانی که در طول سال بیکار است ، اگر تصادفاً یکی دو بار از آن استفاده بشود ، زکات به آن تعلق می گیرد .

۴- به حدّ نصاب برسد

(مسأله ۸۴۱) شتر ۱۲ نصاب دارد:

(۱) پنج شتر که زکاتش یک گوسفند است .

(۲) ده شتر که زکاتش دو گوسفند است .

(۳) پانزده شتر که زکاتش سه گوسفند است .

(۴) بیست شتر که زکاتش چهار گوسفند است .

(۵) بیست و پنج شتر که زکاتش پنج گوسفند است .

(مسأله ۸۴۲) گوسفندی که به عنوان زکات در موارد پنجگانه پرداخت میشود ، بنابر احتیاط واجب حتماً باید یک سالش تمام

شده ، وارد سال دوم شده باشد ، و اگر به جای گوسفند ، بز داده شود باید وارد سال سوم شده باشد .

(۶) بیست و شش شتر ، که زکاتش یک شتر مادهای است که وارد سال دوم شده باشد .

-[ ۱۶۷ ]-

(۷) سی و شش شتر ، که زکاتش یک شتر ماده وارد در سال سوم میباشد .

(۸) چهل و شش شتر ، و زکات آن یک شتر مادهایست که داخل در سال چهارم شده باشد .

(۹) شصت و یک شتر ، و زکات آن یک شتر مادهایست که داخل در سال پنجم شده باشد .

(۱۰) هفتاد و شش شتر ، و زکات آن دو شتر مادهایست که داخل در سال دوم شده باشد .

(۱۱) نود و یک شتر ، و زکات آن دو شتر مادهایست که داخل در سال چهارم شده باشد .

(۱۲) صد و بیست شتر و بالاتر، که در این صورت برای هر پنجاه شتر یک شتر ماده‌ایست که داخل سال چهارم شده باشد، و برای هر چهل شتر یک شتر ماده‌ایست که داخل سال سوم شده باشد.

(مسأله ۸۴۳) برای گاو دو نصاب است:

(۱) سی گاو، که زکاتش یک گوساله نر دو ساله است، یعنی گوساله‌های که وارد سال دوم شده است و بنابر احتیاط واجب گوساله ماده دو ساله کفایت نمی‌کند.

(۲) چهل گاو، که زکاتش یک گوساله نر سه ساله است و گوساله ماده سه ساله کفایت نمی‌کند.

(مسأله ۸۴۴) برای گوسفند پنج نصاب است:

(۱) چهل گوسفند، که زکاتش یک گوسفند است.

(۲) صد و بیست گوسفند، که زکاتش دو گوسفند است.

(۳) دویست و یک گوسفند، که زکاتش سه گوسفند است.

(۴) سیصد و یک گوسفند، که زکاتش چهار گوسفند است.

[- ۱۶۸ -]

(۵) چهارصد به بال، برای هر صد گوسفند، یک گوسفند واجب می‌شود.

(مسأله ۸۴۵) گوسفندی که به عنوان زکات پرداخت می‌شود بنابر احتیاط واجب باید دو ساله باشد، یعنی داخل در سال دوم باشد و بز باید سه ساله باشد.

زکات غلات

(مسأله ۸۴۶) در وجوب زکات غلات، علاوه بر شرایط عمومی که سابق گفته شد واجب است که به حدّ نصاب برسند، و آن در حدود یکهزار و چهل و چهار کیلو و ۲۵۰ گرم می‌باشد.

(مسأله ۸۴۷) برای رسیدن به حدّ نصاب باید خرم، انگور، گندم و جو را روی هم رفته حساب کنند، پس اگر مجموع آنها به حدّ نصاب برسد، زکات واجب می‌شود، اگر چه آنها در مکانهای مختلف باشند و در زمانهای مختلف محصولشان به دست آید.

(مسأله ۸۴۸) اگر مثلاً باغ انگوری را انسان وقتی بخرد که هنوز میوه آن غوره است و بر آن انگور گفته نمی‌شود، هنگامی که عنوان انگور بر آن صدق بکند، زکات واجب می‌شود، ولی اگر پس از صدق عنوان انگور، باغی را خریداری کند، زکات بر او واجب نمی‌شود، بلکه زکات آن بر فروشنده است.

(مسأله ۸۴۹) در مورد زکات کشمش، جایز است که آن را هنگامی بپردازد که بر آن انگور گفته می‌شود، پس حساب می‌کند که اگر این انگور کشمش شود وزن آن چقدر خواهد بود، پس زکات آن را بر آن اساس می‌پردازد، ولی در غیر کشمش چنین کاری جایز نیست، بلکه باید پس از آن که به آنها خرم، گندم و جو گفته شود، زکات آنها را بپردازد.

(مسأله ۸۵۰) مالک می‌تواند در غلات پیش از آن که زکات بر آنها تعلّق بگیرد تصرّف کند، مثلاً غوره را پیش از آن که انگور شود و یا رطب را پیش از آن که خرما شود، بخورد، هبه کند و یا بفروشد، و در این صورت

[- ۱۶۹ -]

ضامن زکات آنها نمی‌باشد، اگر چه این تصرّف بیش از حدّ متعارف باشد.

(مسأله ۸۵۱) اگر مالک بعد از تعلّق زکات بر غلات بمیرد، زکات بر عین آنها ثابت می‌شود، و باید ورثه او نخست زکات را از آن خارج کنند، سپس سهم خود را جدا کنند.

(مسأله ۸۵۲) پس از پرداختن زکات خرما، انگور، گندم، جو اگر سالها این اجناس در نزد مالک بماند دیگر زکات مجدد به

آنها تعلق نمی گیرد و اگر چه همه شرایط وجوب را دارا باشد .

( مسأله ۸۵۳ ) طل ، نقره ، شتر ، گاو و گوسفند ، اگر سالها در نزد مالک بماند ، همه ساله زکات بر آنها تعلق می گیرد ، تا هنگامی که از حد نصاب بیفتند و یا یکی از شرایط وجوب زکات از بین برود .

( مسأله ۸۵۴ ) مالیاتهایی که دولت به شکلهای مختلف از کشاورزان می گیرد ، از محصول کسر نمیشود ، ولی اگر قسمتی از خود غلات به زور غصب شود ، زکات آن مقدار ساقط میشود .

( مسأله ۸۵۵ ) در مورد " مزارعه " یعنی در موردی که صاحب زمین با کشاورز قرارداد بسته که زمین را در اختیار او بگذارد ، او نیز زراعت کند ، مقداری از حاصل از آن مالک و قسمتی هم از آن کشاورز باشد ، هر کدام از مالک و زارع که سهمش به مقدار نصاب باشد ، زکات سهم خودش را میپردازد .

( مسأله ۸۵۶ ) اگر زراعتی با آب باران ، رودخانه و چشمه ، بدون استفاده از وسایل آبیاری ، سیراب و یا ریشههای آن از آبهای زیرزمینی استفاده میکند ، زکات آن یک دهم میباشد .

( مسأله ۸۵۷ ) اگر زراعتی به وسیله سطل ، دولا ب ، تلمبه ، موتور و امثال آن از ابزار و ادوات آبیاری سیراب میشود ، زکات آن یک بیستم است .

( مسأله ۸۵۸ ) اگر زراعتی هم به وسیله دست و هم به وسیله باران و امثال آن آبیاری میشود ، زکات آن نیز به صورت نصف نصف حساب میشود ، یعنی سه

[- ۱۷۰ -]

چهلیم میباشد .

( مسأله ۸۵۹ ) اگر زراعتی با دست آبیاری میشود و گاهی از آب رودخانه یا باران هم استفاده میکند ، ولی غلبه با دست است ، زکاتش یک بیستم میباشد .

( مسأله ۸۶۰ ) اگر زراعتی با آب باران و رودخانه سیراب میشود ولی به ندرت با دست هم آبیاری شده ، زکاتش یک بیستم میباشد .

( مسأله ۸۶۱ ) بارانهائی که در طول سال بطور معمول میبارد ، زمینهای را که با دست آبیاری میشوند ، از حکم خود خارج نمیسازد ، مگر این که باران به قدری زیاد بیارد که تا مدت طولانی از آب دادن بی نیاز سازد ، در این صورت حکم نصف نصف جاری میشود .

( مسأله ۸۶۲ ) میزان در وجوب یک دهم یا یک بیستم مربوط به میوه است نه درخت ، پس اگر درخت خرما و مو در آغاز کشت آنها با دست آبیاری شوند ، ولی هنگامی که به بار بنشینند ، از آبیاری بی نیاز شوند ، در آنها یک دهم زکات واجب میشود ، ولی اگر به عکس باشد ، یک بیستم واجب میشود .

مستحقین زکات

( مسأله ۸۶۳ ) مستحقین زکات هشت گروه هستند:

( ۱ ) فقیر

( ۲ ) مسکین

( مسأله ۸۶۴ ) میزان در فقیر و مسکین آن است که هزینه یک ساله خود و خانوادهشان را ، بدون اسراف و درخور حال خود نداشته باشند و نتوانند تحصیل کنند ، جز این که مسکین به کسی گفته میشود که از فقیر ینواتر باشد .

( مسأله ۸۶۵ ) کسی که ادعای فقر میکند و ما از وضع فعلی او خبر نداریم ، اگر سابقه فقر داشته باشد ، میتوانیم به ادعایش اعتماد

کنیم، ولی اگر در گذشته

[- ۱۷۱ -]

بی نیاز بوده، تا اطمینان به فقر او حاصل نشود، نمیتوان حکم به فقر او نمود.

(مسأله ۸۶۶) با قرائن خارجی، از جمله گواهی فرد مورد اعتماد، میتوان به فقیر بودن کسی اطمینان نمود.

(مسأله ۸۶۷) اگر شخص فقیری به کسی که زکات به گردش هست بدهکار باشد، میتواند بدهی او را از بابت زکات حساب کند و نیازی به این کار نیست که زکاتش را به او بپردازد، سپس بدهی خود را از او بگیرد.

۳) کارگزاران جمع آوری زکات

(مسأله ۸۶۸) کارگزارانی هستند که از طرف امام (علیه السلام) یا از طرف نایب خاص آن حضرت برای گردآوری زکات و رسانیدن آن به امام (علیه السلام) و یا به افراد مستحق، نصب شده باشد.

۴) مؤلفه القلوب

(مسأله ۸۶۹) مؤلفه القلوب کسانی هستند که اعتقادشان نسبت به معارف دینی ضعیف است، از زکات به آنها داده میشود تا دلگرم شوند و از جاذبههای جاهلی رها شوند و بتوانند با بصیرت کامل به دین و احکام دینی بنگرند.

۵) خریدن و آزاد کردن بردگان.

۶) پرداخت بدهکاری افرادی که بدهکارند و نمیتوانند قرضهای خود را بپردازند، اگر چه زندگی روزمره آنان تأمین است، به شرط این که به جهت گناه یا اسراف به قرض نیفتاده باشند.

۷) در راه خدا، و آن شامل همه راههای خیر است که شرعا رجحان آن ثابت باشد.

(مسأله ۸۷۰) احتیاط واجب آن است که در این مورد به مواردی بسنده شود که جهت عمومی دارد، مانند ساختن مساجد، تکای، پله، برپائی شعائر دینی و امثال آنه، نه مواردی که جهت خصوصی دارد، مثل ازدواج و انجام حج.

[- ۱۷۲ -]

۸) انبسیل، یعنی مسافری که موجودیاش تمام شده، و قدرت بازگشت به وطن را ندارد، حتی با فروختن کالاهای اضافی خود، اگر چه در وطن بی نیاز باشد، مشروط بر این که نتواند قرض کند و سفرش معصیت نباشد.

(مسأله ۸۷۱) مستحق زکات باید مسلمان و مؤمن باشد و لذا به کافر و غیر معتقد به ولایت اهلیت (علیهم السلام) زکات نمیرسد، حتی از سهم "مؤلفه القلوب" بنابر احتیاط واجب.

(مسأله ۸۷۲) کسی که شیعه نبوده و زکاتش را به هم کیشان خود داده، سپس شیعه شده، باید زکاتش را دوباره بدهد، ولی اگر به شیعه داده باشد کفایت میکند.

(مسأله ۸۷۳) زکات را نمیتوان به شرابخوار، بلکه بنابر احتیاط واجب به مرتکب گناهان بزرگتر از شرابخواری، چون ترک نماز، داد.

(مسأله ۸۷۴) انسان نمیتواند زکاتش را به کسی که برای او واجب النفقه میباشد بدهد.

(مسأله ۸۷۵) افراد واجب النفقه عبارتند از:

۱- پدر و مادر و نیاکان

۲- فرزندان و نوادگان

۳- همسر دائمی

(مسأله ۸۷۶) انسان نمیتواند از زکات برای مخارج ضروری افراد واجب النفقه هزینه کند، مگر این که از تأمین مخارج آنها

ناتوان باشد و یا هزینه‌هایی داشته باشند که تأمین آنها بر او واجب نباشد، مانند پرداخت بدهیهای آنها و یا برخی از واجبات شرعی و عرفی آنه.

(مسأله ۸۷۷) سید هاشمی میتواند زکاتش را به سید و غیر سید بدهد، ولی غیر سید نمیتواند زکاتش را به سید بدهد، مگر این که مضطر باشد و بنابر احتیاط واجب به قدری مضطر باشد که اکلمیته بر او جایز باشد.

- [ ۱۷۳ ] -

(مسأله ۸۷۸) منظور از سید کسی است که نسبش از طریق پدر به جناب هاشم (نای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)) برسد.

(مسأله ۸۷۹) زکات بر سادات حرام است و صدقه‌های واجب، دیگر همانند کفارات، فدیة، صدقه‌های نذری و صدقه‌های مستحبی بر آنان حرام نیست، بلکه لقطه و مجهول المالک که پرداخت آن بر غیر مالک واجب است، نیز جایز است ولی سزاوار است که از پرداخت صدقه‌های ناچیز که موجب تحقیر آنان میشود پرهیز نمود.

احکام زکات

(مسأله ۸۸۰) واجب نیست که زکات را به همه موارد هشتگانه و یا همه افراد یک صنف پرداخت نمود بلکه میتوان به یک فرد از یک صنف داد.

(مسأله ۸۸۱) اقدام به پرداخت زکات واجب است و تأخیر انداختن آن جایز نیست، مگر این که یک غرض عقلایی داشته باشد، مثلاً منتظر باشد که به مستحق خاصی دستش برسد و زکاتش را به او بدهد، و در این صورت بنابر احتیاط واجب باید آن را مشخص کند و کنار بگذارد، یا چیزی بنویسد و یا شاهی بگیرد که حق فقرا تلف نشود.

(مسأله ۸۸۲) جدا کردن زکات جایز است ولی عوض کردن آن پس از کنار گذاشتن جایز نیست، و در این صورت به عنوان امانت در نزدش باقی میماند و اگر در حفظ آن کوتاهی کند و یا در رسانیدن آن با وجود مستحق تأخیر کند و از بین برود، ضامن است.

(مسأله ۸۸۳) در صورتی که قیمت زکات را میپردازد، بنابر احتیاط واجب پول بدهد، نه لباس و غذا و امثال آنه، مگر این که آن را نافعتر به حال فقیر بداند، در این صورت قیمت آن را حساب کرده، به آن مقدار کالا میخرد و به مستحق میپردازد.

- [ ۱۷۴ ] -

(مسأله ۸۸۴) انتقال دادن زکات از شهری به شهر دیگر جایز است، ولی اگر در اثر انتقال از بین برود، پس اگر در محل خود مستحق بوده و میتواند به او بدهد، ضامن است. و اجازه گرفتن از مجتهد برای نقل، ضامن را ساقط نمیکند.

(مسأله ۸۸۵) زکات از عباداتی است که نیاز به نیت دارد، و بنابر احتیاط واجب هم موقع کنار گذاشتن نیت کند و هم به هنگام پرداخت کردن.

(مسأله ۸۸۶) به هنگام مشاهده آثار مرگ واجب است که فوراً نسبت به پرداخت زکات اقدام کند و یا با نوشتن و شاهد گرفتن، از ضایع شدن آن مطمئن شود، ولی در مورد دیگر حقوق شرعی شاهد گرفتن کفایت نمیکند، بلکه در صورت امکان پرداخت، حتماً باید اقدام کند.

(مسأله ۸۸۷) به یک فقیر بیش از مخارج یک سال نباید پرداخت شود، ولی حداقل برای آن تعیین نشده، جز این که کمتر از پنج درهم مکروه است و بهتر آن است که چنین کاری نشود.

(مسأله ۸۸۸) کسی که زکات را دریافت میکند مستحب است که برای مالک دعا کند.

(مسأله ۸۸۹) مستحب است به اهل علم سهم بیشتری داده شود و مستحب است که خویشاوندان بر دیگران مقدم شوند و کسانی

که سؤال نمیکند بر سؤال کنندهما مقدم شوند .

زکات فطره

زکات فطره از زکاتهای واجب است و در روایت آمده است کسی که زکات فطره‌اش پرداخت نشود ، ترس آن هست که در همان سال بمیرد ، و در برخی از روایات آمده است که با زکات فطره روزه کامل میشود .

(مسأله ۸۹۰) با سه شرط زکات فطره واجب میشود:

[- ۱۷۵ -]

(۱) بلوغ

(۲) عقل

(۳) بی نیازی

پس اگر فقیر باشد (یعنی مخارج یک سالش موجود نباشد و مخارج روزانه‌اش تأمین نباشد) زکات فطره بر او واجب نمیشود .  
(مسأله ۸۹۱) باید این شرایط پیش از غروب شب عید فطر موجود باشد ، تا لحظه مغرب واجد این شرایط باشد ، و اگر برخی از این شرایط مقارن شب عید فراهم نباشد ، زکات فطره بر او واجب نمیشود .

(مسأله ۸۹۲) مستحب است که شخص فقیر نیز زکات فطره بدهد و اگر بیش از یک صاع نداشته باشد ، آن را به عنوان فطره خود به یکی از اعضای خانواده‌اش بدهد ، او نیز به یکی دیگر ، تا در میان همه اعضای خانواده دست به دست بگردد . و بهتر این است که فرد آخر آن را به فرد دیگری که عضو خانواده نیست بدهد .

(مسأله ۸۹۳) کسی که شرایط وجوب زکات فطره را دارد ، باید آن را از سوی خود و همه کسانی که به هنگام غروب شب عید فطر نان خور او به شمار می‌آیند بپردازد ، چه نفقه آنها بر او واجب باشد یا نه ، فامیل باشند یا نه ، مکلف باشند یا نه ، مسلمان باشند ، یا نه ، حتی میهمان و امثال آن که موقتاً نان خور او شده‌اند .

(مسأله ۸۹۴) صرفاً حضور یک فرد به هنگام مغرب در شب عید در خانه کسی ، ایجاب نمیکند که زکاتش به عهده او باشد ، حتی اگر چیزی در نزد او بخورد ، بلکه هنگامی این اثر را دارد که این حضور به جهت نان خور او بودن باشد .

(مسأله ۸۹۵) اگر کسی هزینه زندگی شخصی را به عهده بگیرد ، برای نان خور او بودن کفایت نمیکند ، ولی باید طوری به او مربوط باشد که تحت سرپرستی او به شمار آید .

(مسأله ۸۹۶) هنگامی که سرپرست خانواده ، فطره اعضای خانواده ر

[- ۱۷۶ -]

پرداخت کند از گردن آنها ساقط میشود ، ولی اگر از روی نافرمانی ، نادانی ، فراموشی ، یا فراهم نبودن شرایط وجوب ، فطره را پرداخت نکند ، هر کدام از آنها که بالغ و عاقل و آزاد و پولدار باشد ، بنابر احتیاط واجب باید خودش فطره‌اش را پرداخت کند .

(مسأله ۸۹۷) فطره اولاد هنگامی بر عهده پدر است که نان خور او باشند ، و گرنه به عهده کسی است که نان خور او میباشند .

(مسأله ۸۹۸) فطره زن هنگامی بر عهده شوهر است که نان خور او باشد ، و اگر نان خور شخص دیگری باشد ، فطره‌اش نیز بر عهده او میباشد .

(مسأله ۸۹۹) در زکات فطره ، گندم ، جو ، خرما و کشمش کفایت میکند ، اگر چه خوراک متعارف مکلف و عائلهاش نباشد . همچنین هر خوراک متداولی که مکلف عائلهاش را با آن تغذیه میکند ، مانند: ذرت ، برنج ، شیر و غیره کفایت میکند . و بهتر از همه خرم ، سپس کشمش میباشد .

(مسأله ۹۰۰) مقداری که باید از طرف یک نفر داده شود ، یک صاع میباشد و آن تقریباً سه کیلو و ۴۸۰ گرم است ، و بهتر است



که مقداری بیشتر از این مقدار باشد .

( مسأله ۹۰۱ ) در زکات فطره میتوان قیمت آن را پرداخت نمود . و باید قیمت آن را بر اساس قیمت بازار محاسبه کرد ، نه قیمت رسمی دولتی .

( مسأله ۹۰۲ ) در جایی که بخواهد قیمت آنها را به عنوان زکات فطره بدهد ، باید پول آنها را بدهد و نمیتواند کالای دیگری به عنوان قیمت آنها پرداخت نماید .

( مسأله ۹۰۳ ) باید زکات فطره را روز عید فطر از طلوع فجر ، تا ظهر شرعی - بنابر احتیاط واجب - پرداخت نماید . و بهتر آن است که اگر بخواهد نماز عید بخواند ، پیش از نماز عید پرداخت کند .

( مسأله ۹۰۴ ) اگر دسترسی به فقیر ندارد و یا میخواهد به مستحق خاصی برساند ، میتواند آن را از یکی از غلات یاد شده و یا قیمت آن را بر اساس طعام

- [ ۱۷۷ ] -

مورد نظرش جدا کرده کنار بگذارد .

( مسأله ۹۰۵ ) اگر کسی تا ظهر روز عید زکات فطره اش را کنار نگذاشته باشد ، بنابر احتیاط واجب باید پیش از مغرب به آن اقدام نماید .

( مسأله ۹۰۶ ) کسی که روز عید فطر زکات فطره را جدا نکند و به مستحق نرساند ، بر گردش باقی میماند و باید آن را پرداخت نماید ، اگر چه زمان طولانی شده باشد ، و اگر پرداخت نکرده بمیرد ، باید از طرف او پرداخت شود .

( مسأله ۹۰۷ ) اگر کسی با وجود مستحق زکات فطره را به شهر دیگری منتقل کند و به مستحق برساند ، کفایت میکند و بازگرداندن آن به شهر خود لزومی ندارد .

( مسأله ۹۰۸ ) بر سید هاشمی جایز نیست که فطره غیر سید را بپذیرد ، اگر چه به صورت مستحبی باشد ، مثل زکات فطره های که شخص فقیر آن را داده باشد .

( مسأله ۹۰۹ ) اگر سرپرست خانواده سید نباشد ، نمیتواند فطره خود و عائله اش را به سید بدهد ، اگر چه عائله اش سید باشند .

( مسأله ۹۱۰ ) برای یک فقیر بنابر احتیاط واجب نباید کمتر از یک صاع داده شود ، ولی یک صاع و اندی مانع ندارد ، مثلاً میتواند سه صاع را به دو نفر بدهد .

احکام خمس

\*\*\*\*\*

- [ ۱۷۹ ] -

- [ ۱۸۱ ] -

## احکام خمس

واجبات خمس

( مسأله ۹۱۱ ) در هفت مورد خمس واجب میشود:

اول: غنایم جنگی

( مسأله ۹۱۲ ) غنائمی که به وسیله جنگ از کفاری که نبرد با آنها جایز است ، به دست میآید - به تفصیلی که در کتب مبسوطه بیان شده - باید یک پنجم آن به عنوان خمس به محلی که بعداً بیان میکنیم پرداخت شود .

دوم: معدن

(مسأله ۹۱۳) در طل، نقره، سرب، آهن، مس، آلومینیوم و غیر آنها از فلزات، همچنین نفت، گوگرد، نمک و امثال آنها که از زمین استخراج میشوند و عرفاً زمین به شمار نمی‌آیند، خمس واجب است.

(مسأله ۹۱۴) بنابر احتیاط واجب در عقیق، فیروزه، یاقوت و امثال آنها از سنگهای قیمتی خمس لازم است.

(مسأله ۹۱۵) در مورد معدن خمس هنگامی واجب میشود، که ارزش آنچه از یک محل استخراج میشود، پس از کسر هزینه استخراج آن به ۲۰ مثقال طلا (یعنی در حدود ۸۵ گرم طل) برسد.

سوم: گنج

(مسأله ۹۱۶) گنج عبارت از مالی است که از گذشته دور در زیر زمین دفن شده و در اثر گذشت زمان از مالک و وارث آن خبری در دست نیست.

[- ۱۸۲ -]

(مسأله ۹۱۷) وجوب خمس در گنج منحصر به درهم و دینار است که مسکوک باشد، پس در طلا و نقره غیر مسکوک (مانند شمش طل) و دیگر جواهرات که از زیر زمین یافت شود، خمس واجب نیست و یابنده آن میتواند آنها را تملک نماید و خمس ندارد، مگر این که از مخارج سالانه‌اش بیشتر باشد.

(مسأله ۹۱۸) جواهرات غیر مسکوک و آثار عتیقه‌ای که از زیر زمین در می‌آید، اگر معلوم باشد که قبلاً در تملک مسلمان بوده است، بنابر احتیاط واجب بین حکم مجهول المالک و میراثی که وارث ندارد، جمع شود.

(مسأله ۹۱۹) در گنج هنگامی خمس واجب میشود که به حد نصاب زکات برسد، یعنی به مقدار ۲۰ دینار و یا ۲۰۰ درهم باشد.

چهارم: جواهرات دریائی

(مسأله ۹۲۰) جواهرات و هر چیز دیگری که به وسیله غواصی یا ابزار دیگر از دریا و یا رودخانه بیرون آورده میشود، خمس دارد.

(مسأله ۹۲۱) بنابر احتیاط واجب در چیزهایی که خود به خود از دریا بیرون زده میشود، مانند چیزهایی که روی آب قرار می‌گیرد و یا به وسیله امواج دریا به ساحل انداخته میشود، نیز خمس واجب است.

پنجم: زمینی که ذمی بخرد

(مسأله ۹۲۲) زمین که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد خمس دارد.

ششم: مال مخلوط به حرام

(مسأله ۹۲۳) مالی که با مال حرام مخلوط شده و حلال آن از حرام تشخیص داده نمیشود، به وسیله پرداخت خمس حلال میشود، خواه بداند که مقدار حرام کمتر یا بیشتر از یک پنجم بوده یا نداند.

هفتم: مازاد مخارج سالانه

(مسأله ۹۲۴) چیزی که از مخارج سالانه خود و خانواده‌اش، از ارباح

[- ۱۸۳ -]

مکاسب، یعنی از درآمد حاصله از کسب، کار، تجارت، زراعت، اجیر شدن، گردآوری اشیاء مباح و امثال آن، اضافه بماند، خمس واجب می‌شود.

(مسأله ۹۲۵) چیزی که از طریقی غیر از کسب، مانند هبه (بخشش)، حقوق شرعی، سود حاصله از اموال وقفی، مال الوصیه، مهریه، ارثی که - به جهت دور بودن خویشاوندی - غیر منتظره بوده، چیزی که در طلاق خلعی گرفته میشود و امثال آنها خمس

دارد .

( مسأله ۹۲۶ ) میراثی که از خویشاوند نزدیک به ارث میرسد خمس ندارد .

( مسأله ۹۲۷ ) چیزی که خمس آن پرداخت شده و چیزی که خمس نداشت ، مانند میراثهای معمولی ، اگر افزایش پیدا کند و این افزایش به آن متصل باشد و عرفاً با آن یکی باشد ، خمس ندارد ، مانند درختی که بزرگ شود و حیوانی که فربه گردد ، هر چند اگر آنها را بفروشد ، باز هم خمس ندارد .

( مسأله ۹۲۸ ) چیزی که خمس آن داده شده و یا خمس نداشت ، اگر چیزی به آن افزوده شود که جدا از آن باشد و عرفاً با آن یکی نباشد ، خمس دارد ، مانند میوه درخت ، پشم ، شیر و بچه حیوان ، اگر چه در مثل میوه و پشم هنوز نچیده باشند و متصل به درخت و حیوان باشند .

( مسأله ۹۲۹ ) جنسی که برای تجارت خریداری کرده و خمس آن را پرداخت نموده ، اگر قیمتش بالا-رود و به قیمت بالا آن را بفروشد ، افزایش قیمت آن از منافع سال فروش محاسبه میشود و خمس واجب می شود .

( مسأله ۹۳۰ ) چیزی که به ارث غیر منتظره یا هدیه به دستش رسیده ، اگر قیمتش بالا رود و به قیمت بالا آن را بفروشد ، خمس ندارد .

( مسأله ۹۳۱ ) چیزی که خمس بر آن تعلق گرفته ، اگر افزایش پیدا کند ، خواه متصل یا منفصل باشد ، بر اصل و زیاده خمس واجب میشود ، و اگر بعداً کاهش پیدا کند ، مثلاً حیوان لاغر شود ، خمس نقص را نیز ضامن است .

( مسأله ۹۳۲ ) چیزی که خمس بر آن تعلق یافته ، اگر قیمتش در بازار کم یا زیاد

[- ۱۸۴ -]

شود ، خمس آن را مطابق قیمت روز پرداخت خمس محاسبه میکند ، و در صورت پایین آمدن قیمت ضامن نیست .

( مسأله ۹۳۳ ) اگر چیزی را به ذمه بخرد ، سپس قیمت آن را از پولی بدهد که خمس بر آن تعلق یافته ، باید خمس آن پول را بدهد ، خواه قیمت جنس بالا رفته باشد ، یا پایین آمده باشد ، ولی اگر آن جنس را به قیمت بالاتر بفروشد ، سود آن از منافع سال فروش محسوب میشود .

( مسأله ۹۳۴ ) منظور از مخارج سالانه ، که در مازاد آن خمس است ، همه مخارجی است که انسان برای هدفهای عقلانی هزینه میکند ، و با آن نیازهای خود و خانوادهاش را تأمین میکند ، از قبیل خوراک ، پوشاک ، مسکن ، دارو و درمان ، یا خواستههای شرعی و عرفی خود را جامه عمل میپوشاند ، یا به دوستان و هموعان مواسات میکند ، یا به دیگران انفاق میکند ، اگر چه عرفاً بیش از شأن او محسوب شود .

( مسأله ۹۳۵ ) میزان در مخارج سالانه چیزی است که هزینه شده است ، پس اگر در موارد لازم هزینه نکرده و صرفه جوئی نموده ، و هزینه آن تا پایان سال مانده ، خمس بر آن تعلق می گیرد .

( مسأله ۹۳۶ ) نیازمندیهای زندگی که " مؤنه " نامیده میشود ، خمس ندارد ، خواه مانند خوردنیها باشد که با استفاده از آنها عین آنها تلف میشود ، یا مانند مسکن ، لباس ، وسائل خانه و ماشین باشد که خود و خانوادهاش از آنها استفاده میکنند و عین آنها باقی میماند و یا از قبیل پرداخت مهریه و قرضهای انباشته شده باشد ، که چیزی در مقابل به دست انسان نمیآید .

( مسأله ۹۳۷ ) سرمایه ، ابزار کار ، کارگاه ، ماشین حمل و نقل ، ساختمان و دکوراسیون محل کسب جزء مؤنه نیست و خمس دارد .

( مسأله ۹۳۸ ) اگر به دست آوردن سود ، مشروط به هزینه کردن اموالی چون کرایه محل ، اجرت نگهبان ، باربر ، بیمه ، بهداشت و دیگر ادارات دولتی باشد ، این

[ ۱۸۵ ]-

هزینه‌ها از سود حاصله کسر میشود ، سپس از منافع سال محسوب میگردد .

( مسأله ۹۳۹ ) کسی که یکصد هزار تومان پول مخمس در مقدمات کسب صرف کرده ، اگر آخر سال فقط پنجاه هزار تومان موجودی داشته باشد ، چیزی بر او واجب نیست ، پس اگر کاهش موجودی ضرر محسوب میشود ، در پایان سال بعد مازاد پنجاه هزار تومان خمس دارد ، ولی اگر ضرر محسوب نشود ، بلکه طبیعی باشد که در سال اول کمتر استفاده داشته باشد ، در پایان سال دوم مازاد یکصد هزار تومان خمس دارد .

( مسأله ۹۴۰ ) آغاز سال برای محاسبه مخارج سالانه ، از تاریخ نخستین سودی است که به دست انسان میرسد ، به هر وسیله‌ای که باشد و سالهای بعد نیز بر همان مبنا تنظیم و محاسبه میشود .

( مسأله ۹۴۱ ) کسی که آغاز سالش را نمیداند برای تعیین آغاز سال با حاکم شرع مصالحه میکند .

( مسأله ۹۴۲ ) کسی که چندین شغل دارد ، نمیتواند برای هر کدام سال جداگانه بگیرد ، بلکه باید برای همه آنها یک مبدء تعیین کند ، چه در طول سال سودی برده باشد یا نه .

( مسأله ۹۴۳ ) مکلف باید در آغاز سالش همه پولهای موجود و اجناس موجودی را که با استفاده از آنها از بین خواهد رفت ( مانند خوردنیه ) محاسبه کند و خمس آنها را پرداخت کند .

( مسأله ۹۴۴ ) لوازم خانه و آشپزخانه که از منافع سال خریداری شده و تا پایان سال مورد استفاده قرار نگرفته خمس دارد ، اگر چه برای سالهای بعد مورد نیاز است .

( مسأله ۹۴۵ ) پارچه نمدوخته ، لباس دوخته پوشیده نشده ، کتاب و هر کالای دیگری که تا پایان سال مورد استفاده واقع نشده ، خمس دارد .

( مسأله ۹۴۶ ) جهیزیه دختر که متعارف شده در طول سالها به تدریج تهیه

[ ۱۸۶ ]-

میشود ، خمس دارد .

( مسأله ۹۴۷ ) ساختمانی که در طول سالها ساخته میشود و در سالهای بعد آماده سکونت میشود ، خمس دارد .

( مسأله ۹۴۸ ) لباس و زیور آلاتی که مدتها مورد استفاده قرار گرفته ، اگر بعد از مورد استفاده بودن خارج شود خمس ندارد .

( مسأله ۹۴۹ ) لباس و زیور آلاتی که دیگر مورد نیازش نیست ، اگر آنها را بفروشد ، در صورتی که آنها را خریده بود و به قیمت بالاتر بفروشد ، سود حاصله از منافع سال محسوب میشود ، ولی اگر هبه یا ارث بوده خمس ندارد اگر چه قیمت آن افزایش یافته بود .

( مسأله ۹۵۰ ) برای کسر هزینه سالانه از منافع سال ، شرط نیست که از سود حاصله هزینه کرده باشد ، بلکه اگر از پول دیگری چون پول قرضی خرج کرده باشد ، میتواند به همان مقدار از منافع سال کسر کرده ، سپس خمس باقیمانده را محاسبه نماید .

( مسأله ۹۵۱ ) علاوه بر مخارج سالانه و هزینه به دست آوردن سود ، خسارتهای و ضایعاتی که در طول سال پیش میآید ، از منافع سال کسر میشود ، و فقط به مازاد موجودی سال قبل ، پس از کسر هزینه‌ها و خسارتهای خمس تعلق می گیرد .

( مسأله ۹۵۲ ) اگر سال به پایان برسد و قسمتی از منافع آن به صورت طلب در ذمه مردم باشد و وقت وصول آن فرا رسیده باشد ، خمس آنها بر عهده او میباشد ، پس باید آنها را وصول کرده ، نسبت به پرداخت خمس آنها اقدام نماید .

( مسأله ۹۵۳ ) در مسأله فوق انسان حق ندارد که به بدهکاران اجازه تأخیر در ادای دین بدهد ، مگر این که خمس آنها را پرداخت کند و یا به حاکم شرع مراجعه نماید و اگر بدون مراجعه به حاکم شرع اجازه تأخیر بدهد ، پس اگر بدهکار شیعه باشد میتواند آن

را به تأخیر بیندازد و بستانکار پی آمد تأخیر آن را به عهده می گیرد .

( مسأله ۹۵۴ ) به مجرد آن که سود حاصل شود ، اگر از هزینه یک سال بیشتر

[- ۱۸۷ -]

باشد ، خمس به آن تعلق می گیرد ، ولی مالک میتواند پرداخت آن را تا پایان سالِ خمسِ خود ، به تأخیر بیندازد ، و میتواند در وسط سال آن را پرداخت کند .

( مسأله ۹۵۵ ) کسی که میداند به قدری سود خواهد برد ، که پس از ادای خمس هزینه زندگیش تا پایان سال تأمین شود ، تا سود حاصل نشده ، با مجرّد پیش بینی خمس بر او تعلق نمی گیرد و نمیتواند نسبت به پرداخت آن اقدام نماید .

( مسأله ۹۵۶ ) به محض آن که سالِ خمس به پایان رسید و سود حاصله در دست مالک بود ، باید نسبت به پرداخت خمس آن اقدام کند و تأخیر در آن جایز نیست ، و حق تصرف در آن ندارد ، مگر با اجازه حاکم شرع ، در غیر این صورت گناه کار و ضامن میباشد .

( مسأله ۹۵۷ ) خمس به عین تعلق می گیرد و مالک مخیر است که خمس آن را از خود عین بپردازد و یا قیمت آن را از پول رایج بپردازد ، و نمیتواند معادل آن را از جنس دیگر بپردازد ، مگر با اجازه حاکم شرع .

( مسأله ۹۵۸ ) اگر مالک پس از تعلق خمس ، در آن مال تصرف کند ، آن را بفروشد ، به کسی هبه کند ، اجازه دهد ، ابراء ذمه کند ، یا اجازه تصرف بدهد ، اجازهاش نافذ نیست ، و بدون اجازه حاکم شرع تصرفش صحیح نیست ، و طرف مقابل حق تصرف در آن را ندارد و نمیتواند به تصرف یا اجازه مالک ترتیب اثر بدهد .

( مسأله ۹۵۹ ) اگر مورث ، اگر ارثگذار قصد ادای خمس داشت ، ولی فوت کرد ، در این صورت خمس از عین ساقط نمیشود ، بلکه بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را جدا کنند ، به ویژه هنگامی که بر آن وصیت کرده باشد .

مصرف خمس

بعد از عصر حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خمس بر دو قسمت مساوی تقسیم میشود ، نیمی از آن " سهم امام " علیه السلام است ، که در زمان غیبت به حضرت

[- ۱۸۸ -]

بقیه‌اللّه‌ارواحنا فداه مربوط میشود ، و نیمی دیگر " سهم سادات " است ، که به بنیهایم داده می شود .

( مسأله ۹۶۰ ) در سادات شرط است که مؤمن و فقیر باشند ، ولی در مورد " ابن سبیل " فقیر بودن در محلّ پرداخت سهم سادات کفایت میکند ، به شرط این که قرض گرفتن بدون اهانت و مشقّت امکان نداشته باشد .

( مسأله ۹۶۱ ) کسی که ابن سبیل است ، اگر سفرش سفر معصیت باشد ، بنابر احتیاط واجب خمس به او داده نمیشود .

( مسأله ۹۶۲ ) به یک فقیر بیش از آنچه بتواند هزینه سالانه‌اش را با آن تکمیل کند ، خمس داده نمیشود . و به ابن سبیل به مقداری داده میشود که او را به شهرش برساند ، مگر این که ناگزیر از ادامه سفر باشد ، در این صورت به مقداری داده میشود که نیازش برطرف گردد .

( مسأله ۹۶۳ ) کسی که ادّعا میکند که من سیّد هستم ، ادّعایش پذیرفته نمیشود مگر این که دو نفر شاهد عادل گواهی دهند و یا سیادتش طوری در میان مردم مشهور باشد که از آن اطمینان حاصل شود .

( مسأله ۹۶۴ ) انسان نمیتواند سهم سادات خود را به کسی که نفقه‌اش بر او واجب است بدهد ، مگر این که او هزینه‌هایی داشته باشد که تأمین آن بر او واجب نباشد .

( مسأله ۹۶۵ ) به هنگام پرداخت سهم سادات به سادات لازم است که به آنها تملیک شود ، یعنی به دست او و یا به دست ولیّش

داده شود، و خرج کردن آن در نیازمندیهای سادات بدون تملیک به آنان کفایت نمیکند.

(مسأله ۹۶۶) کسی که به سادات سهم سادات میردازد، نمیتواند با آنها شرط کند که آن را در مورد معینی خرج کنند.

(مسأله ۹۶۷) صرف کردن سهم امام (علیه السلام) در عصر غیبت جایز نیست، مگر در موردی که اطمینان حاصل شود که حضرت بقیه‌الله‌ارواحنا فداء به مقتضای

[- ۱۸۹ -]

جایگاه رفیع، ولایت عامه، سرپرستی دین و مقام پدری امت اسلامی که دارند، بر هزینه کردن آن در آن مورد رضایت دارند. و این اطمینان حاصل نمیشود مگر در دو مورد:

اول: در راه خدمت به دین مقدس اسلام، از طریق برافراشتن پرچم اسلام، تقویت پایههای دین، اقامه شعائر مذهبی، پاسداری از حریم دین، دفع متجاوزان به حریم دین، مقابله با نیرنگهای دشمنان، ترویج و تبلیغ معارف اسلامی و نشر احکام شرع نبوی. دوم: برای رفع نیازهای ضروری افراد مؤمن و متدین، فریاد رسی آنان و رفع پریشانی از آنها، که آنان جزء خانواده صاحب این حق حضرت بقیه‌الله‌ارواحنا فداء به شمار می‌آیند.

(مسأله ۹۶۸) کسی که خمس بر عهده دارد، نمیتواند سهم امام (علیه السلام) را در موارد تعیین شده مستقلاً هزینه کند، بلکه باید به حاکم شرع مراجعه کند، که او بر همه ابعاد مختلف احاطه دارد و بر موارد صرف آن آگاهی کامل دارد، او میتواند با استمداد از افراد آگاه و امین این حق را بر صاحبان حق برساند.

(مسأله ۹۶۹) بر اساس مسأله فوق صرف سهم امام با نظارت مالک و حاکم شرع خواهد بود، به این صورت که یکی از آنها دیگری را وکیل خواهد نمود و یا هر دو در مورد محل صرف آن ابراز نظر خواهند نمود.

(مسأله ۹۷۰) سهم امام باید با صدق نیت، با اخلاص لازم در عبادات، با احتیاط کامل، به دور از خواستههای شخصی و مصالح فردی پرداخت شود.

(مسأله ۹۷۱) در باب زکات یکی از مصادیق زکات کارگزاری است که زکات را از مردم دریافت کرده به محل خود میرسانند، ولی در خمس برای کارگزاران آن چیزی منظور نشده است و مباشرین این کار جزء مصارف خمس نمیباشند.

(مسأله ۹۷۲) مالک نمیتواند خمس را کنار بگذارد، و اگر این کار را انجام دهد آن مال به عنوان خمس معین نمیگردد. ولی اگر با اجازه حاکم شرع آن را جد

[- ۱۹۰ -]

سازد، در این صورت خمس در آن مال قرار می‌گیرد و دیگر اموالش از خمس آزاد میشود.

(مسأله ۹۷۳) اگر کسی از فقیر طلب داشته باشد، میتواند با اجازه حاکم شرع آن را از سهم امام (علیه السلام) حساب کند، ولی در سهم سادات بنا بر احتیاط واجب چنین کاری صحیح نیست، بلکه باید سید فقیر آن را قبض کند، سپس قرض خود را پرداخت نماید.

امر به معروف و نهی از منکر

\*\*\*\*\*

[- ۱۹۱ -]

[- ۱۹۳ -]

**امر به معروف و نهی از منکر**